

# بیداری

نشریه‌ی کانون فرهنگی خرافه زدایی

شماره ۲۲ - سال چهارم مهرماه ۱۳۹۴ ایرانی  
اکتبر ۲۰۰۶ میلادی - ۱۳۸۵ عربی

جهنم با گناهکاران

بهتر است از

بهشت

با ملایان

علی ابن ابیطالب زن را

مار، شیطان، کژدم و

ناقص العقل می نامد

اسلام شناس - میرفطروس

در ۹۰۰ سال نخست پیدایش اسلام، فرآورد علمی مسلمانان در فیزیک  
ساختن گاری و در شیمی تهیه واجبی بوده است. بهرام مشیری

اسلام بازور اسلحه به حکومت رسید، بازور اسلحه می خواهد  
مردم را به بهشت ببرد، و بازور اسلحه زندگی را جهنم کرده است

از دسیسه‌ی برای بستن بیداری در یک بنیاد مذهبی با خبر شده‌ایم.  
اگر تلاش آنها ادامه پیدا کند شما را در جریان امر می گذاریم.

ماه رمضان، تحفه‌ی شمشیرکشان عرب و ماه گسترش خرافات

آخرین بخش

دکتر محمد عاصمی - آلمان

## دنباله - آموزگار شادی و بهروزی

شاید در میان آئین‌های بزرگ و پی‌گیر، آموزش زرتشتی، تنها آئینی باشد که از گفتار در باره‌ی زیبایی زن، هراس ندارد و این زیبایی را از آن رو نمی ستاید که بعد، آنرا چون لولوی سرخرمن، در برابر آدمیان پرهیزگار قرار دهد تا شاید از «وسوسه» های احتمالی جلوگیری شود. در پشت ها، هنگامی که به نگارش چهره‌ی آنها می پردازند، گوئی برای آن است تا هرکس بدانند که زیبایی، مانند شادی، مانند دلباختگی، مانند بهروزی، شایسته‌ی ستایش است:

«ارده ویسورا» آنهایتا دختر جوان و خوش اندام و بلند بالائی است که کمر بر میان بسته، تا پستانهایش برآید و زیباتر بنماید و دل انگیزتر گردد. از گوشش، گوشواره‌ی زرین چهار گوشه آویخته و برگلوی زیبایش، گلوبندی چشم گیر بسته بر سرش، تاج زرین هشت گوشه‌ایست که به ستاره آراسته بر پایش، دامنی است پُرچین و گرانها اوست دختر آزاده و پاکدامن.

دکتر م. مهر آسا

## دنباله - از دین چه می دانید؟

### آیا اسلام را می شناسید؟

این کاوش ها و تفکرات و اندیشیدن در راه و روش گذشتگان و سرنوشت آنان از یک سو، و دیدن کبر و نخوت محتشمان عرب نظیر ابوسفیان و دیگران از سوی دیگر، همه عواملی بوده‌اند که محمد شیفته قدرت را مرتب و وسوسه می کرد تا به هدفش که کسب قدرت و دستیابی به شهرت است برسد. البته محمد از نیروی هنر نویسندگی نیز برخوردار بود که خصیصه‌ای است در بین مردم حجاز بی سابقه نبود و بسیاری از اعراب مکه به آن آراسته بودند.

حضرت با این صفات و به کمک پشتکار مداوم و پیگیری به این آرزو یعنی سلطنت عربستان دست یافت؛ و روزی که از دنیا رفت، دستکم سرتاسر عربستان در زیر نفوذ و نیروی او بود؛ و آن مردم برای مُرده‌اش نیز صلوات می فرستادند و می فرستند.

برخلاف نظر مسلمانان متعبد، بت پرستی در میان جوامع عرب به هیچ وجه زیانبار و دردسزنا نبود. اعراب در زمان محمد و پیش از او نیز،

صفحه‌ی بعد

کینه را برای خودنمایی در تاریخ به جا گذاشت.

اعراب در آن زمان و مکانی که حضرت محمد ادعای پیامبری کرد، مسئله اصلی شان اقتصاد بود نه تغییر دین و تبدیل منبع باورها. اعراب مردمی بودند بیگانه با کشت و زرع و صنعت که جز غارت و دزدی و دستبرد به اموال دیگر طوایف و ملت ها، چیزی نمی دانستند؛ و حاضر به یادگیری هیچ کاری نیز نبودند. اگر پولی و مالی گیر می آوردند، نخست با آن شمشیر یمانی و زره رومی می خریدند تا به کمک آن ها به غارت شهرها و دیگر اقوام و ملیت ها بروند. اصولاً اعراب تن به کارهای سازنده نمی دادند. هنوز هم پس از گذشت ۱۴ قرن، اعراب شبه جزیره، اگر نفت نداشتند و یا حاجیان هر سال آن همه پول در مکه و مدینه نمی ریختند، چون زمان غارتگری سرآمده است، از گرسنگی می مُردند.

اینکه در قرآن از گروه جن سخن رفته است، بی جا و غیر عادی نیست. جن ها عده ای از همین اعراب بادیه بودند که روزها خود را در پناه کوه ها و غارها از چشم دیگران پنهان می کردند و شب ها به غارت و چپاول شهرها و دهات می رفتند و پیش از طلوع آفتاب دوباره پنهان می شدند.

حتا اعراب مدینه علیرغم آب و هوای بهتر در آن ناحیه، تن به زراعت نمی دادند و بیشتر زراعت آن ناحیه در اختیار یهودیان بود و اعراب به صورت کارگر برای یهودیان شهر کارمزد بودند. بنا براین اعراب برخلاف نظر محمد و پیروان او، مشکلشان بت پرستی نبود؛ مسئله شان فقر و تنبلی و تن پروری بود... بت پرستی مشکل بزرگ خود حضرت محمد بود. زیرا تا بساط بت پرستی برپا می بود، او فرمانروا نمی شد. اعراب، تمام کار و هدف و آرزویشان غارت اموال دیگران، خوردن، لم دادن و خوابیدن و همبستری با زنان متعدد بود. حتا در دستبرد ها و غارت هائی که از نواحی دیگر می کردند، زنان سرزمین ها را هم می دزدیدند و در بازار مکه می فروختند و بزرگترین تجارتشان داد و ستد بر روی بردگان بوده است.

طوایف عرب در تمام تاریخ و دوران بت پرستی در شبه جزیره عربستان، یک دهم تعدادی که در آن بیست و سه سال حضرت محمد در جنگ های احد و بدر و خندق و فتح مکه از آنها کُشت، کُشته ندادند. چنانکه اشاره رفت، قرآن را با معنای فارسی اش بخوانید. و اگر حوصله و وقت خواندن قرآن را ندارید، دستکم پای تبلیغ مبلغان دروغگوی اسلام ننشینید. در عوض، به اعمال حاکمان اسلام در گذشته و حال بنگرید و به عدل و انصاف خدا و پیامبر اسلام و امامان پی ببرید. تاریخ جنگ های اسلام و پیشرفت دین، سرگذشت بزرگان، خلفا و سرداران مسلمان را به دقت بررسیید. به حکومت اسلامی ایران، حکومت طالبان و ملامعمر افغانی فکر کنید، به کُشتار هائی که تروریست های اسلامی در میان مردم بی گناه کوچه و خیابان، و در

گرفتاریشان بت پرستی نبود و با رسم بت پرستی مشکلی نداشتند. تمام داستانهایی که از زنده به گور کردن دختران عرب می گویند، دروغی بیش نیست زیرا اگر چنین چیزی می بود:

۱- چون با کُشتن و زنده به گور کردن دختران زن در جامعه نایاب میشد، نسل عرب باید برمی افتاد و به نابودی می رسید.

۲- مردان عرب از نظر شهبوانی از تمام دیگر مردمان آن زمان حریص تر و توانا تر بوده اند و نمی توانستند حتا یک شب را بدون هم بستری با زن به روز آورند و این موضوع را ملا باقر مجلسی در کتابهایش ذکر کرده و آن را جزو صفات و برکات امامان شیعه آورده و به آن نازیده است. خود حضرت محمد بنا به روایات و گفته های عایشه، هر شب را با یکی از زنان متعدّدش به روز می آورده

۳- هر مرد عرب چه پیش و چه پس از اسلام چندین زن و کنیز داشته و تعداد زنان در جامعه بسیار بیشتر از مردان بوده است.

۴- در مکه (البته پیش از فتح توسط مسلمانان مدینه) تعدادی زیاد فاحشه خانه وجود داشته است و یکی از سیره نویسان اهل رومانی در کتابش به نام «محمد پیغمبری که از نو باید شناخت» می نویسد: «خانه های مکه، یک در میان در اختیار فواحش بوده است و آنها بر سر در خانه پرچمی سیاه آویزان می کردند تا مشخص باشند و مشتریانشان دروازه های دیگر خانه ها را نزنند» البته وجود این فاحشه خانه ها بنا به شرایط و مناسبات آن روز مکه غیر عادی نمی نموده است؛ زیرا مکه از یک سو مرکز تجارت و داد و ستد تمام اعراب بوده، و از طرف دیگر به علت وجود بت های متعدد در خانه های کعبه، زیارتگاه اقوام گوناگون و مردم عرب زبان بوده است. از این رو شهر مکه مرتب محل آمد و رفت کاروان های تجاری و دسته های زائر و طواف کنندگان بوده است و بدیهی است که با توجه به طبع شهبوانی اعراب، این مسافران در آن زمان نیازمند چنین روسپی خانه هائی بوده اند. شکی نیست به همین دلیل، بسیاری از مردان عرب به انواع بیماریهای مقاربتی دچار بوده و به زنان نیز سرایت می داده اند.

۵- زن در عربستان پیش از اسلام، درست برخلاف نظر مفسران مسلمان - بویژه دکتر و مهندس های جدید اسلام شناس! - که می خواهند واکنش و رفتار دین اسلام را در احترام به زن بی جهت بزرگ جلوه دهند، بسیار محترم تر و مورد توجه تر از دوره اسلام بوده است. اعراب بت پرست حرمت زن را بسیار بیشتر از مسلمانان رعایت می کرده اند. چنانچه «خدیجه» که بعدها همسر حضرت محمد شد، با ثروتی که از دو شوهر مُرده اش به او رسیده بود تجارت می کرد و پس از مدتی محمد را نیز به عنوان مباشر و محاسب خود استخدام کرد و زنی محتشم و نامدار بود. یا «هند» زوجه ابوسفیان در جنگ بدر شرکت کرد و راهنمایی ها و تهییج های او مقداری از فتح قریش را رقم زد و پس از شکست نیروهای اسلام، سینه حمزه عموی پیامبر را شکافت و در برابر چشم همه، جگر حمزه را گاز زد و رسمی جالب از

این امر هویدا است. البته چون نویسنده اش سواد کافی نداشته و به جای سواد کافی از احساسات غلیانی برخوردار بوده است، غلط های بسیاری چه از نظر املا و چه از نظر انشاء و معنی در قرآن به چشم می خورد. به طوری که نه تنها معجز خدا نیست، که معجز بشر هم نمی تواند باشد.

با وجودی که اعراب مردمی تن پرور و تنبل و اکثریشان غارتگر بودند، حضرت محمد در کتابش حتا یک جمله در مورد کارکردن و کشت و زرع و صنعت نمی گوید تا این تن پروران را به کار ترغیب فرماید. حتا در مورد نفی دزدی و غارتگری هم نه تنها چیزی نگفته بلکه جهت تأمین مال و ثروت، آن را به عنوان غنیمت جنگی توصیه هم می کند. پایان

درون مدارس و بیمارستانها می کنند، با شکیبائی بنگرید و ببینید؛ تا معلوماتان شود که عدل اسلامی و رافت و عطوفت پیامبر و جانشینانش چه اندازه بی پایه بوده و هست.

این را به یقین بدانید که کتاب قرآن نه کلام خدا است و نه وحی است که از سوی خدا توسط موجودی خیالی به نام جبرئیل بر کسی نازل شده باشد. کتاب قرآن تألیف حضرت محمد است همانند تمام کتابهای دیگر که هر یک مصنف و مؤلفی دارد... باید بر روی جلد این کتاب، همچون دیگر کتابها نوشته شود «قرآن، تألیف محمد ابن عبدالله متولد مکه و متوفی در مدینه»

این کتاب نوشته کسی است باسواد که استعداد و هنر شعر و بلاغت را داشته و از سجع و قافیه آگاه بوده است. قرآن اگر چه شعر ناب نیست، اما نثری مسجع و کلامی آهنگین است که تقریباً در تمام سوره های آن

مانده از صفحه ۱ اول

### دنباله - آموزگار شادی و بهروزی

گذرانده اند، همگان می کوشند تا در نهانگاه با گنجینه های تاریخ خود، ستونهای کمابیش استوار بیابند تا برآن، هستی کشور و مردم خود را از آسیب ها و دست بُردهای آینده در پناه نگهدارند و این کار، آنچنان ضروری است که دیده شده است، گاه تاریخ را، خود می آفرینند یا گنجی را که نیست، خود می پردازند.

به همت پیشینیانمان، ما ایرانیان را نیازی به ساختن و پرداختن نیست... در گنجینه های خیره کننده ی تاریخ و تمدن ایران، آنقدر روشنی هست تا در پرتو آن هیچ شبی نتواند جاودانه برآن سیاهی کند. یکی از روشنی ها و شاید درخشان ترین - و کهن ترین آن، آموزش زرتشت خوش گفتار است:

مهر را می ستایم که دشتهای بی پایان از آن اوست

مهر را می ستایم که به ایران زمین، خانمان شاد و سازگار بخشوده

باشد که او برای تیمار زخمهای ما آید

باشد که او برای چاره دردمان آید

باشد که او برای پیروزی ما آید

باشد که او برای بهروزی ما آید

باشد که او برای دادرسی آید. پایان

هرجا از «گاتها» یاد شده یا ترجمه ای است از کتاب آقای بدیع که به فرانسه نوشته اند و یا نقلی است از کتاب آقای جلیل دوستخواه و در هرحال بدون این دو نوشته ی نفیس تهیه این گزارش برای نگارنده ناممکن میبود. بنا براین اگر گفتار پسندیده ای در این نوشته باشد، باید به این دو پژوهنده ی ارجمند و استاد، آفرین گفت.

راست است که دوران ما با دوران زرتشت، همانند و برابر نیست. پس از او سده ها بر جهان گذشته و اگر از پاره ای موازین اساسی احساسات بشری بگذریم - همه چیز دگرگون شده و این دگرگونی ها، به نوبه خود، آموزشهای ویژه ای ایجاد کرده که با قوانین و فرامین نوین، هماهنگ است و می تواند بهتر با دادرسی و گویائی بیشتر به نیازها و آرزوهای امروز مردم پاسخ دهد. بنا براین برای کسانی که به تکامل جامعه های بشری و مرزها و قانونهای ویژه این تکامل باور دارند - و نگارنده خود را از اینان میدانم - گرایش به سوی آموزشهای زرتشت یا هر آئین کهن دیگری تنها به این خاطر می تواند باشد که از راه بررسی و کاوش در پدیده هایی که به راستی آفرینندگان یک تمدن، یک فرهنگ و یک ملت هستند، خود را با ساز و برگ لازم مجهز کنند تا در برابر شیخون های گوناگون دوران ما بایستند.

بر همه پیداست که جهان ما چگونه جهانی است. اگر به دنبال دگرگونیهای زمان و بهم خوردن هماهنگی نیروها به سود مردم محروم، بسیارند مللی که لااقل به یک آزادی زبانی رسیده اند... اگر با وجود کُشتارهای ددمشانه که هنوز اینجا و آنجا برجاست، کسی را دیگر یارای آن نیست که مانند سده های پیش از جهانگیری پول و بهره کشی - از استعمار - از حقانیت زور، آشکارا پشتیبانی کنند... این نیز بر همه پیداست که درد و زخمی که چندین سده به جا مانده، به یک سال و دو سال درمان نتواند پذیرفت.

از این روست که می بینیم، چه آنها که تازه کلید خانه خویش را در اختیار گرفته اند و چه آن دیگران که بند و بستی بردشان نبود و نیز آنها که هزاران هزار سال است. چون سنگ زیر آب، سیلابها را از سر

## دنباله - نافرمانی علیه بنیادگرایی در جهان عرب

هشتاد درصد مسلمین سنی‌اند و شاید هم کمی بیشتر و رشد جمعیت شیعیان مربوط به نیم قرن اخیر است که در کشورهایی هم مثل بحرین و ایران و عراق اکثریت دارند. از بعد جنگ عراق جریان بنیادگرایی سنی‌ها مایل است با شیعیان همزیستی کند و این کار تجزیه و تحلیل جدید را لازم ساخته است. که امید بخش‌اند.

- اخیراً فیصل القاسم بر تلویزیون الجزیره در برابر استدلال بانو وفا سلطان سوریه‌ای وا بماند. این بانو تجاوزات لفظی و نظامی و تروریستی را بر شمرده و در مورد زنان کتاب احکام شرعی را نشان داد که می‌گوید اگر مردی بنماز باشد و سگی یا خوکی یا زنی از جواروی بگذرد نماز او باطل است. سپس می‌گوید من هرگز ندیدم و نشنیدم و نخواندم در جائی که یک کلیمی بمبی برستوران یک آلمانی منفجر کند.

- اخیراً در ترکیه زنان و مردان بصورت گروهی در مسجدی در اسلامبول به نماز پرداختند و همسر مشاور نخست وزیر ترکیه با این گروه بی‌حجاب اسلامی نماز خواند. اینها گروهی از مردم متوسط الحال بودند و روزنامه ینی اکتول YENI AKTUEL آنها را ناراضیان اسلامی نام داد. این گروه از تعلیمات لیبرال‌ها الهام می‌گیرند که رهبری دارند بنام احمد هولوزی که بروایتی صوفی‌اند و علوم جدید را ارزش می‌نهند و بنیادگرایان سنی آنها را نهی می‌کنند.

- حرکت دفاع از اقلیت سنی در ایران بدلائل مختلف کند است ولی اخیراً در مرکز و بلوچستان و سیستان صداهائی رسا برخاسته که بدلیل حقوقی که از آن مردم سلب شده آنها علیه قانون اساسی که جداگانه مطالعه باید بشود.

- مجله اشپیگل در باره بانو ایغان هریسی علی که در عربستان سعودی تربیت شد و اهل سومالی است می‌گوید او که ستم بسیار دیده (بسیب قطع بخشی از آلت تناسلی در پنج سالگی) به هلند پناهنده شده است. اینک نماینده حزب لیبرال است به عنوان یک ناراضی مبارزات فرهنگی وسیعی را علیه بنیادگرایان دامن زده است.

فیلم تئووان گوگ را او ساخت و «اطاعت» کور را خوب شکافت ولی قربانی داد یعنی تولیدکننده کشته شد. این بانوی مسلمان سومالی الاصل امروز در موضعی رفیع علیه بنیادگرایان و بسود اصلاح آنها فعالیت دارد. دومین فیلم او در دست تهیه و دنباله همان اولی است. بانو ایغان هریسی اخیراً به امریکا مهاجرت کرد.

- قبطنی‌ها در مصر قریب ۱۲ میلیون نفرند. این مردم همیشه مسیحی ساکن مصرند و تحت فشار. بسیاری از آنها ملامت به الحاد می‌کنند ولی مصریان فکور طرفدار همزیستی با دیگر مذاهب اخیراً حرکتی را راه انداخته‌اند توجه الازهر را به تقرب مذاهب و قبول

روزنامه السیاسیه چاپ کویت اخیراً مقاله پُر ارزشی را به قلم شاکرالنابولسی درج کرد که حاصل ماه‌ها تحقیق است.

نویسنده با دلایل تاریخی اسلامی علیه این اتهام برمی‌خیزد که لائیسته و جدائی دین از حکومت تحمیل غرب به ما نیست بلکه اسلام نوعی از این شیوه را در تاریخ خود دارد. فراموش نکنیم که تلویزیون الجزیره متعلق به دویی بنا به اظهار یوسف القوادوی معتقد است لائیسته یعنی جدائی دین از حکومت کفر و بی‌خدائی و لامذهبی است. و نیز راشد غانوسی نوشته است که لائیسته واردات غربی و کمونیست هاست. در حالیکه عمر خلیفه دوم که از راشدین بود معتقد بود قرآن حامل وجوه است. و از قضا آقای رفسنجانی به وقت ریاست جمهوری‌اش در مصاحبه‌ای با فیگارو گفت نظام جمهوری اسلامی ایران چند صدائی است. مراد خلیفه عمر این است که از این یا آن سوره یا آیه چه وجهی را بپذیرید. چون واژه‌ها در جملاتی نشسته و معنائهائی چند پهلو آفریده‌اند. وی می‌گوید خلیفه ابوبکر جانشین محمد (۳۴ - ۶۳۲ هـ) در جواب آنها که می‌گفتند هر مسلمان می‌تواند به سمت رهبری رسد گفت این سمت خاص قریش است که قبیله پیامبر است که اعراب پیرو او شدند و سیاست را از دین جدا دید. سومین خلیفه اسلام عثمان امور مالی دولتی را از امور مالی مذهبی جدا کرد. و معاویه بیشتر ازین‌ها رفت. زیرا مرکز قدرت را از مکه به دمشق برد (۵۵۷) و مذهب و حکومت را بکل از هم جدا کرد و علیه حضرت علی که خلیفه دینی هم بود جنگ کرد. در امپراطوری عثمانی اسلامی نیز بر همین رویه بود و وقتی کمال اتاتورک خلافت را ملغی کرد و در کار جدا کردن حکومت از دین مشکلی نداشت و بسابقه عمل ادامه یافت. و بعضی اقدامات مثل قدغن کردن حج در چند سال اول حکومت او تدبیری بر استقلال عمل بود.

باری جدائی دین از حکومت در سراسر جهان عرب مسلمان به بحث نهاده شده است و حرف اساس این است که این شیوه را باید از دل تاریخ اسلام بیرون کشید نه آنکه تقلید شود تا متهم به غرب زدگی شویم.

محققان عَرَب حق دارند و بما می‌فهمانند چگونه دولت از دین جداست و ما نمی‌بینیم. شاکرالنابولسی باستناد قرآن (سوره محمد ۱۷۰) می‌گوید قرآن خلاف رای مقتی‌ها و مفسرانِ مُستبد حق آزادی و جدائیات را برای انسان باز شناخته است زیرا عامل اولیه اراده شخص است و خداوند پس از آن عمل بآموزش می‌کند (همان منبع). چه بسیار از جنگ‌ها که در اسلام بر سر مالیات نپرداخته بوده است و نه به قصد رواج دین (همانجا).

دیگری جلب کنند.

- با روی کار آمدن حماس در لبنان این سؤال مطرح است آیا حماس نژاد پرست است یا نه (النهار بیروت)؟ حماس نظریات نژاد پرستانه‌ای دارد که مستقیماً آنها را از ناسیونالیسم افراطی عرب به ارث می‌برد. ناسیونالیسم عربی بارها عنوان شده به قدرت رسیده و سریعاً محو شده است زیرا سرزمین‌های اسلامی با همه تشابه متفاوت از هم‌اند. در حالیکه حزب‌الله با روحانیون دیگر ادیان در لبنان در گفتگوست و همه میدانند دست ایران ولایتی در کار است.

اما وقتی حزب ملی لبنان (وابسته به دمشق) خبر از مشارکت اسرائیلی‌های روحانی در کنفرانسی پیدا می‌کند رسماً اعلان می‌کند که بسبب حضور اسرائیلیان از شرکت معذور است. اینها فراموش کرده‌اند که اسلام و احکام آنها جزئاً از دل یهودیت درآمده است.

رفتار حماس تصویری از اسلام نژاد پرست پدید آورده است. صدام حسین چه می‌کرد؟ کردها و بربرها و شیعیان را راه نمیداد. بعث اشتباه کرد. بنام اسلام اسلام را تیره ساخت و بنیادگرایان این اسلام را جهانی کردند.

سعود المولا در النهار می‌گوید من سالها حسن البنا را کمک کردم تا اخوان المسلمین پا گرفت. در آغاز تجربه سیاسی ما هدف ما مشارکت همه مردم و همه مذاهب در امور سیاسی مصر بود مسلمان و قبطی در لیست‌های انتخاباتی بودند. بعد بنیادگراها حتا مانعی کردند او می‌گوید بچه دلیل دیگران را اولاد میمون سگ و خوک خطاب می‌کنید و فرد و انسان جهود را نمی‌بینید. و مثالی که کار را باینجا رسانید دارد. اگر اسلام بچسبد به پای ناسیونالیسم عربی بدترین وطن پرستی افراطی ظاهر می‌شود.

- اشاره‌ای در بالا کرده شد بنام ارشاد منجی - حرف اساسی او اینست که اسلام از قرن دوازدهم باینطرف فرهنگ بحث و گفتگو را رها کرده است. این اوج شعور یک اسلام شناس است. این عمق تشخیص ما را بیاد دوره‌ای از تاریخ اسلام میاندازد که حکما و فضیلابی ایرانی عالیترین نوشته‌ها را در باره اسلام واقعی رها از تسنن و تشیع بجا نهادند. و علمای ایرانی غنائی سرسام آور به علوم اسلامی بخشیدند.

ارشاد منجی یک مسلمان ناراضی است که اگر در ایران امروز بود آهسته معدوم شده نامی از آن نمی‌ماند. او یک تمنا دارد و آن اینکه مؤمنان اجازه یابند بی مهابا در باره ایمانشان به بحث بپردازند. در جهان خشکه مقدسان این تمنا خطرناکتر از آزادی بیان از نوع حقوق بشری هست. او می‌گوید ساندویچ دموکراسی منتظر ماست. هیچ کس بهتر از این بانو رهبران القاعده را به انتقاد نکشیده است و بهمراه آنها البته سعودیان را. دشمنان او که معلومست کی‌ها هستند او را متهم به توطئه‌گری برای صهیونیسم و مأموریت موساد کردند و ارشاد منجی آنها را ریشخند میزند. او نیز مثل بسیاری از متفکران از جمله جمال البنا ۸۲ ساله مصری باین نتیجه رسیده است که همه این کجرویهای بنیادگرایان ناشی از تفاسیر دلخواهی است. وی بدنبال خلق وجدان آزاد در جهان اسلام است و عقیده دارد که اصلاح در اسلام

شروع شده است ولی کند و دردناتک پیش می‌رود و کار بزرگی در پیش است. و منکر برخورد غرب با اسلام بنیادگرا نیست. باری منهای غرب خود مسلمان‌ها در کار نبردی‌اند سازنده.

- در فدراسیون روسیه بیش از ۲۰ میلیون مسلمان وجود دارد که در دو منطقه (ولگای اورال = تا تارستان - بشکورتوستان) و در شمال قفقاز (داغستان - انگوش - چچنی) ساکن‌اند. درین مناطق تکیه کلام برنوآوری و تجدد در اسلام است تحت کلمه «جدیدیسیم».

رافائل حکیم‌وف مشاور پرنفوذ رئیس جمهور تترستان با استقلالی قانونی کار می‌کند. تجدد اسلامی آرزوی بزرگ مردم منطقه است. این حرکت از نیمه قرن نوزدهم شروع شد. تاتارها قصد احراز هویت تازه‌ای داشتند. گاهی آنها را مسلمانان اورال آسیا نام دادند. هدف حرکت جا انداختن اجتهاد است یعنی جهدی برای فهم امروزین احکام اسلامی. در دوره استالین تاتاری که با الفبای عربی نوشته میشد تغییر کرد و الفبای لاتین اختیار شد و اثر خوبی در تجدد کرد. بعد سقوط کمونیسم گرایش باجتهاد پدید آمد تا توسعه و تجدد پیشرفت کند. لیبرال‌ها پیش می‌روند (غازان) و جدیدی‌ها می‌ترسند اسلام ورافتد. بهرحال کازان KAZAN پایتخت نوآوری اسلام روسی است.

- در کشور هلند احمد ابوظالب صدائی رسا دارد از باب «حرمت دیگری». او مسلمان و سوسیال دموکرات است و اصلاً مراکشی بوده و روزنامه نگار. «چگونه می‌شود محترم بود و محترم نداشت دیگری را» این عمق سخن اوست. در هلند افشین علیان ایرانی قبار و شاعر نیز صدائی است بلند بر اصلاح اسلام بنیادگرا او تضاد بین اسلام سیاسی و آزادی را طرح می‌کند. موضوعی است بقدمت خود اسلام وسیله‌ای برای بیان خواستهای کنونی.

- بعد آن قضایای کاریکاتور در دانمارک حرکتی فکری در جهت ضرورت اصلاح در اسلام پدید آمد. این جمله قرآنی که «آنچه و هر چه می‌کنید بخدا نسبت ندهید که خدا میداند و شما نمیدانید» و مانند آنرا نویسنده‌ها به بحث نهادند. در همه جا ضرورت بحث در گرفت. ناصر خدر نوشت. تندتر نوشت و بالاخره باستناد قرآن گفت خدا در قرآن می‌گوید انسان صاحب مغز است برای تشخیص خوب از بد پس بکارگیرید مغز را.

در ایران انقلاب اسلامی ایران به بهانه دفاع از اسلام یکی از استبدادی‌ترین مکاتب را بنام ولایت فقیه جا انداخت این امر در اصل تقلیدی است از متفکران آغاز قرن ۲۰ سنی. از بدو انقلاب تلاش وسیعی از سوی اسلام شناسان در طرح سئوالاتی پایه‌ای صورت گرفته است. تقریباً همه معترضان بدلیل جناح چپ جدید الاسلام نابود و یا خانه نشین شدند. شکر که بسیاری هنوز زبان در کام نکشیده‌اند. از جمله کریم سروش که قدرش کمی معلوم نیست و مجتهد شبستری که خوشبختانه قدرش معلوم است. و نیز رامین جهانگلگو که در زندان است. اصلاح در بنیادگری میان ایرانیان جلوه کمی دارد زیرا رد کل آن مورد تقاضاست. شاید شیوه مبارزان ما زیاد انفرادی است و تأسیسی تازه برای این کار لازم باشد. پایان

## بخشی از مقاله خوب و بد، خیر و شر

فرهنگ جهانی متجانس و همگی در حال توسعه و گسترش باشد و می‌رود که در دهه‌هایی نه چندان دور بشریت برداشت و برآوردی یکنواخت از پدیده‌های هستی دست یابد و اختلاف نظرها و سوء تفاهمی را که موکلان دین و حاکمان سیاسی بدان دست یازیده و بر جهان تحمیل نموده‌اند، جای خود را به شناخت و تفاهمی یکدست، برای حفظ کره زمین و میراث‌های طبیعی و انسانی آن بدهد. وقت آن است که دریچه خرد و دانشمان را گشاده‌تر نماییم، دگراندیشی و نوخواهی را جانشین دگم و سلطه جویی کرده و به اصالت انسان، به آزادی و به عدالت باور آوریم.

دکتر احمد ایرانی

### گزیده‌هایی از کتاب «پیدایش اسلام»

آقای دکتر مصطفی وزیری کتابی به زبان انگلیسی نوشته‌اند با عنوان *Emergence of Islam*. این کتاب بسیار آموزنده و خواندنی است. در زیر گزیده‌هایی از این کتاب پژوهشی برای آگاهی خوانندگان «بیداری» پخش می‌شود.

۱- پیش از دوران محمد، چند زنی یا تعدد زوجات و برده داری رایج بوده است. محمد نه تنها با آنها مخالفتی نمی‌کند بلکه چند زنی و برده داری را به فرمان آسمانی تبدیل می‌کند.

۲- محمد برای تأمین هزینه‌های زندگی هوادارانش دستور حمله به کاروان‌های بازرگانی را صادر می‌کند. محمد این دستور را به فرمان‌خدایی تبدیل می‌کند.

۳- بزرگترین انگیزه‌ی جنگ جویان محمد چپاول یا تاراج‌داری‌های دیگران بوده است.

۴- یهودیان هم دوران محمد هرگز او را به پیام‌آوری نمی‌پذیرند. این یهودیان می‌گفتند محمد آگاهی‌های چندانی در باره‌ی یهودیت ندارد و کمترین نشانی از نشانی‌های پیام‌آوری در او نیست.

۵- محمد در ۵۳ سالگی با عایشه‌ی ۹ ساله به عنوان شوهر هم‌بستر می‌شود.

۶- بعد از خیانت جنسی عایشه، علی به محمد می‌گوید: «زن زیاد است، به راحتی می‌توانی زنی دیگر در اختیار داشته باشی.»

۷- علی پس از درگذشت فاطمه با چهار زن دیگر زناشویی می‌کند.

۸- در کتاب نهج‌البلاغه که به نادرست به علی نسبت داده شده، علی از عمر به نیکی یاد می‌کند و او را بسیار می‌ستاید.

۹- نام سه تن از پسران علی، ابوبکر، عمر و عثمان بوده است.

۱۰- محمد در قرآن از یهودیان هم دوران با عنوان میمون و خوک نام برده است.

ادیان همواره بر خوب و بد و درست و نادرست افکار و اعمال انسان تأکید داشته‌اند و در متون دینی خود تصریحاً بیان کرده‌اند. ادیان آسمانی (پندارهای یهودی - مسیحی - اسلامی - مزدیسنانی) افزون بر خوب و بد، درست و نادرست، دو ارزش متفاوت دیگری یعنی خیر و شر را هم مطرح ساخته‌اند.

جنبش رنسانس و طلوع عصر روشنگری در اروپا، بی‌اعتباری بسیاری از مفروضات دینی را آشکار ساخت، انسان مدرن نگرش تازه‌ای به جهان هستی پیدا کرد، بررسی علوم انسانی بر علوم الهی پیشی گرفت و انسانگرایی (Humanism) حرکت پیشرو در جوامع اروپایی گردید. از اواخر قرن هجدهم به بعد، فعل و انفعالات اجتماعی، دیگر تنها برای رضای خدا و دستیابی به بهشت و جهنم موعود صورت نمی‌پذیرفتند، نیکبختی و به زیستی انسان مقدم بر رضای خاطر حق قرار گرفت.

معهداً تاریخ ادیان آسمانی، با این که انسان را نماینده خدا در زمین خوانده‌اند و برای زندگی و زنده بودن ارج نهاده‌اند و کشتن را مذموم دانسته‌اند سراسر یادآور قتل و هدم‌ها و کشتارهایی است که به نام خدا و دین به فرمان مفتیان و مودیان دین صورت گرفته است. مزدیسنان قتل عام مزدکیان و مانویان را به فرمان موبدان امری برای امتنان خاطر اهورا مزدا قلمداد نمودند، مسیحیان می‌گشتند چون طرف مسلمان یا پروتستان و یهودی بود. مسلمانان می‌گشتند که طرف زرتشتی یا یهودی و یا مسیحی و یا هندو و بودایی بود، شیعیان امروز می‌گشتند چون طرف ملحد و طاغوتی، محارب با خدا و منافق، بهایی و غیره است. به قول شاملو «تا مشیت‌ها دوتا و مغزها یکی هستند، می‌گشتند و باز خواهند گشت»

در قرن بیستم به تنهایی ۱۵۷ جنگ بین‌المللی، انقلاب، کودتا و جنگ داخلی در جهان رخ داده که طی آن نزدیک به ۱۰۰ میلیون انسان به هلاکت رسیده‌اند... در ایران ولایت فقیه در سال ۱۳۶۷ به فتوای ولی حاکم پنج هزار زندانی گرفتار در بند عدالت اسلامی به جوخه اعدام سپرده شدند.

در نیمه دوم قرن بیستم کودتای نظامی در اندونزی مسلمان و در شیلی مسیحی و در ایران تشیع نزدیک به یک میلیون نفر را به جرم ایده‌ئولوژی کمونیستی، سوسیالیستی و غیره نابود و سر به نیست نمودند.

در جوامع غربی عملاً از قرن نوزدهم به بعد از کشتن مخالفان سیاسی به شرط این که در کشتن کسی مشارکت نکرده باشند خود داری شده است. امروز در کشورهای اتحادیه اروپا مجازات اعدام لغو شده است...

گشایش شاهراه‌های الکترونیکی اینترنت و ماهواره‌ای از اواخر قرن بیستم سبب مبادلات فزاینده و دائمی از دانش و معرفت بین قاره‌ها و فرهنگ‌ها و ادیان متفاوت جهان شده است. به نظر میرسد که نوعی

آناهید - آگوست ۲۰۰۶

## تحصیل کرده در بند سنت و روشنفکری!؟

رضا بزرگزاد

چکیده‌ای از یک مقاله

## خود را از ناریکخانه ایمان آزاد کنیم

کسی که مسلمان زاینده می‌شود (یا زاینده هر دین دیگری) یعنی بند بندگی را پیش از زاده برگردنش می‌نهند چگونه می‌تواند به مفهوم «آزادی» پی ببرد.

او از کودکی باید بپذیرد که انسان نادان خلق شده و نیاز به اطاعت از اوامر رسول‌الله دارد و آنچه را که او خودش اندیشه می‌کند شیطانی و گمراه‌کننده است و مردمی که به بردگی الله این رسول تن داده‌اند چگونه می‌توانند به مفهوم «مردم سالاری» پی ببرند...

کسی که افسار اندیشه‌اش را بدست دیگران سپرد او نمی‌تواند آزادانه اندیشه کند. در هیچ مذهب و باوری نمی‌توان آزادی انسان را جای داد...

کسی که به باوری ایمان آورد، او دیگر بر خود و اندیشه خود فرمانروا نیست، او نمی‌تواند بر خود سالار باشد، و از وی آزاده یا سالار بودن بر خویشتن (مرد سالار) سزاوار این کسان نخواهد بود...

انسان خردمند گستاخ و جوینده است. دستکم به اندازه یک خرگوش، او هرگز به عقیده‌ای که برخلاف تجربه‌های او باشد ایمان نمی‌آورد. خرد انسان در زندان ایمان به زندانبانی فقیه از سوی شیادان دین فروشی به بیگاری کشیده می‌شود.

یک اسلامزده با هر دانشنامه‌ای نمی‌تواند یک دانشمند باشد. چون برداشت او از پدیده‌های هستی از راه ایمانش می‌گذرد نه از راه دانش. یک اسلامزده با هر دانشنامه‌ای نمی‌تواند یک دانشمند باشد، چون برداشت او از پدیده‌های هستی از راه ایمانش می‌گذرد نه از راه دانش. یک اسلامزده با نیروی خرد انسان آشنایی ندارد، ایمان او به نادان بودن انسان است. و به بردگی و بندگی خود در برابر خالق اعظم و دانا می‌بالد، او کسی را عاقل می‌داند که بدون چون و چرا از احکام شریعت اطاعت کند. مفهوم آزادی و مردسالاری در ذهن کسانی که به مذهبی ایمان دارند همان مفهوم حکومت حاکم بر محکوم است.

آگاهی و آزادگی، مفهوم و معنای خاصی دارد، به صرف تحصیل کردن و مدارجی را در دانشگاه طی کردن و به یدک کشیدن عناوین گوناگون علمی، تنها ممکن است بمنظور کسب مزایا و منافع مادی پذیرفته شود ولی انسان آگاه و آزاده‌ای که بخواهد از دانش خود برای راهنمایی جامعه سود ببرد بایستی شرایط والاتری داشته باشد که مهم‌ترین آنها نخست وابسته نبودن چنین شخصیتی به هرگونه ایدئولوژی سیاسی، مذهبی و سنت‌های کهنه و قدیمی است.

وابستگی ذهنی و فکری افراد تحصیل کرده جامعه اجازه نمیدهد کشتی طوفان زده جامعه بشری را بسوی آگاهی و حقیقت رهنمون شوند.

ذات نا یافته از هستی بخش کسی تواند که شود هستی بخش شوربختانه امروز جهان گرفتار خیل تحصیل کردگانی است که

همه اسیر سنت‌های کهنه و ایدئولوژی‌های متعصب آشتی ناپذیر هستند، و اسف انگیز است که چنین کسان دم از آزادگی و دموکرات بودن می‌زنند ولی در عمل به استبداد و ارتجاع یاری میدهند، چرا که ذهن و مغز آنها در گرو زندان کهنه پرستی و نفوذ سیاسی باقی مانده است و همین گرفتاری ذهنی تحصیل کردگان جهان است که جنگ‌ها و مصیبت‌ها و رنج‌های بشری را بوجود می‌آورد.

در یافتن و بدست آوردن چیزهای نو نیاز به فکر نو و ذهن آزاد دارد، تا انسان نتواند فکر خود را از قید و بند گذشته‌ها رها سازد آزادی حقیقی را نخواهد شناخت تا برای دیگران هم فراهم کند

نمونه فراوانی از این موجودات در سنت گرفتار را در نام‌های روشنفکر مذهبی، روشنفکر ملی، روشنفکر آزادیخواه روشنفکر در خدمت دیکتاتورها مشاهده می‌کنیم که خود را همه روشنفکر می‌دانند، در حالی که محصول اندیشه آنها همین جهان پُراشوب، فقیر، درگیر جنگ‌های گوناگون، یاری دادن به ثروت‌مند شدن عده‌ای در ازاء فقیر شدن بسیاری دیگر، یاری دادن به چرخش چرخ حکومت‌های عقب مانده و دیکتاتوری مانند جمهوری اسلامی و بسیاری از حکومت‌های دیگر جهان است.

همه و همه ناهنجاری‌های جهان توسط تحصیل کردگان روشنفکر نما صورت می‌گیرد چون ذهن آزاد نشده آنها، این گروه را از دایره روشنفکری حقیقی خارج ساخته است. در این رابطه رسانه‌های گروهی هم بخاطر وابستگی هایشان به مراکز قدرت ترویج دهنده اندیشه و پر و بال دهنده این گونه روشنفکران سنت‌گرا و دروغین می‌باشند که گناه آنها هم کمتر از روشنفکران این چنین نیست. باید دانست و درک کرد با چنین افرادی آزادی حقیقی انسان امکان پذیر نیست و جز انسانیت و انسان که مرز مشترک جامعه بشری است هیچ اندیشه و باوری مقدس و پذیرفتنی نمی‌باشد که روشنفکری اسیران باشد.

## توجه

۱- حساب بانکی جدید ما 5003-194(309) در باتک واشنگتن می‌پوچوال است - حساب پیشین در بانک آو آمریکا بسته شده است.

۲- از این پس روی چک‌های ارسالی بجای C.C.E.S نام Bidari را بنویسید. با سپاس از توجه شما.

## در لس آنجلس و اطراف، چه خبر؟

کتاب‌هایی مانند کتاب‌های ربای یهوشوع، تنن الی و زرگری ادبیات دینی ما را لکه دار می‌کنند. لس آنجلس یا نیویورک دهکده‌ای در کاشان و اصفهان نیستند که بالای منبر بروند و فتوا بدهند که اگر مادری میکوه نرفته است فرزندش حرامزاده است.»

ما از بسته شدن دفتر این نشریه روشنگر که برای نخستین بار در جامعه یهود اتفاق می‌افتاد بشدت متأسف هستیم و از هم میهنان کلیمی خود می‌خواهیم تا دیر نشده از بسته شدن دائمی نشریه خوب دیروز و امروز جلوگیری کنند. اگرچه وضع و حال نشریه بیداری دست کمی از روزگار نشریه دیروز و امروز ندارد و فعلاً هم به همان مسیر افتاده است، ولی تا آمدن آن روز، صفحه‌هایی از بیداری را در اختیار نویسندگان و روشنفکران کلیمی می‌گذاریم که این چراغ فروزان شده در جامعه خود را همچنان روشن نگه دارند (اگر بخواهند).

● بعضی از خوانندگان گرامی، نسخه‌هایی از بیداری را برای دوستان خود پست می‌کنند که تک و توکی از این بیداری‌ها بسوی ما بر می‌گردد، بدون آنکه بدانیم چه کسی این بیداری‌ها را برای دوستان خود فرستاده که برگشت داده شده است. خواهشمندیم در هنگام ارسال بیداری دست کم نام خودتان را زیر آدرس ما بگذارید که از برگشتن بیداری شما را آگاه کنیم.

● خانم پوران مقوم یکی از همراهان ما از روزهای نخست انتشار بیداری و یکی از یاران و کمک‌دهندگان نزدیک نشریه دیروز و امروز جامعه کلیمی بعلت بیماری سرطان در سنی که تا پیری سالها فاصله داشت درگذشتند و این مرگ زود رس می‌تواند در بسته شدن نشریه دیروز و امروز مؤثر بوده باشد. بدینوسیله به آقای مقوم که خود یکی از روشنفکران جامعه یهود می‌باشند و فرزندان و دوستان این بانوی روشنفکر تسلیم می‌گوئیم.

● از سوی یکی از کارمندان عالی مرتبه دانشگاه UCLA دو کتاب و یک مقاله مفصل در مورد مذهب که نویسندگان آن آمریکائی هستند برای ما فرستاده‌اند که از فرستنده سپاسگزاریم و به موقع از مطالب آن استفاده خواهیم کرد. در همین راستا چندین کتاب از دیگر خوانندگان گرامی بیداری بدست ما رسیده است که از فرستندگان آنها هم سپاسگزاریم در

● چندی پیش در برنامه صبحگاهی رادیو ۶۷۰ ای ام لس آنجلس که با اجرای آقای ساسان کمالی و خانم آزیتا شیرازی اجرا می‌شود دنبال ترویج خرافات مداومی که توسط این برنامه صبحگاهی و برنامه پس از آن که از ساعت ۱۰ تا ۱۲ می‌باشد، صورت می‌گیرد شخصی را برای احضار روح، آورده بودند!

احضار روح یکی از کارهای در ردیف فالگیری و جن‌گیری و پیشگویی است که همه از سرچشمه خرافات آبیاری می‌شوند و به جز گمراه کردن مردم و دروغ و دروغگویی چیزی بیش نیست، جامعه خردمند جهان به این کارها با چشم تحقیر می‌نگرد و آنها را سرگرمی مردمان عقب مانده و موهوم پرست میداند. سرچشمه ترویج چنین برنامه‌ها از مدیریت که خود اسیر و مفتون بنگاه‌های مذهبی است نشأت دارد برنامه‌های این رادیو بجز یکی دو برنامه خوب مانند برنامه‌های خانم سرشار و آقای هولاکویی بیشتر رو بسوی ترویج خرافات دارد تا گسترش خردگرایی.

● اگر دقت کرده باشید، چندی بود که مطالب در باره دین یهود کمتر در بیداری می‌آمد، دلیلش انتشار نشریه‌ای بنام دیروز و امروز بود که به همت عده‌ای از روشنفکران کلیمی در لس آنجلس منتشر میشد و بیشتر هم به افشاگری در باره رباهای کلیمی می‌پرداخت و البته مقاله‌های جالبی هم در راه روشنگری جامعه یهود می‌نوشت که بسیار هم مؤثر افتاده بود. این نشریه وظیفه ما را از نوشتن در باره دین یهود سبک کرده بود متأسفانه با اطلاعیه‌ای که بدستمان رسیده بدلیل کمبود بودجه انتشار این ماهنامه در حال متوقف شدن می‌باشد. ناشر دیروز و امروز در اطلاعیه سه صفحه‌ی خود می‌نویسد، «این نامه بمنزله درد دل و خداحافظی از خوانندگان خود می‌باشد... با کمال تأسف باید عرض کنم که هرماه، ماهنامه به گرفتاری مالی دچار میشد و تنی چند با الطاف بیدریغ خود گرفتاری را برطرف می‌کردند... مبالغ پرداختی مشترکین سالانه کفاف مخارج را نمی‌کرد، چون دو سوم خوانندگان ماهنامه به رایگان آن را می‌خواندند ماهنامه دست بدست می‌گشت، همه به به و چه چه می‌کردند. ولی حاضر به قبول اشتراک نمی‌شدند... روی سخن من به جوانان است که دنیای امروز و فردا به آنان تعلق دارد. ربایانی که قوانین ۳۰۰۰ سال پیش را تعلیم میدهند و چون آیت‌الله خمینی که ایران را به ۱۴۰۰ سال پیش برگردانید، دروسی را تدریس می‌کنند که اطفال ما را راهی دنیای تاریک جهالت و کهنه پرستی می‌کنند....»



مگر بنیاد ایمان با سایرین هم مانند ما درخواست کتبی این کار را داده بودند؟

بنیاد فرهنگی مهرگان باید مفتخر می بود تا بیداری را بدست میهمانان خود برساند که تاکنون این نشریه را ندیده بودند، در حقیقت تعداد زیادی از هم میهنان ما را از دریافت بیداری و تأثیر گذاری آن محروم نمودند.

اگر این سازمان اهداف فرهنگی دارد، ما از مسئولین مربوط در آن بنیاد سخت گله مند برای ندادن پاسخ به نامه ما و پخش بیداری بین هم میهنان مان هستیم که از سراسر آمریکا در این سمینار گرد هم آمده بودند. و امیدواریم در سمینارهای بعدی این بنیاد خود پیشگام درخواست رساندن بیداری بدست میهمانان گردد.

## مراسم خرافی ختم

با اینکه در شکل مراسم ختم فوت شدگان تغییرات بزرگی نسبت به گذشته دیده می شود و خیلی ها از آوردن آخوند و آخوندنمایان برای خواندن روضه و پرت و پلاگویی خود داری می کنند ولی هنوز راه بسیار درازی در پیش است که داستان خرافه گویی این جماعت بویژه آنها که چندی است در بیرون از کشور با فکل و کراوات نان زندگی را با حرف مفت زدن آخوندی در می آورند کاملاً از بین برود. چند هفته پیش در لس آنجلس در مراسم ختم یک بانوی ایرانی آقای بنام «شیرازی» را دعوت کرده بودند که سخن بگوید. این مرد در تمام سخنانش یک جمله حرف منطقی، باورکردنی و آموزنده وجود نداشت و به خوبی معلوم بود این آقا در عمرش یک کتاب هم نخوانده است. آقای شیرازی میفرمود، هرکسی در هر سنی که فوت کند در آن دنیا ده سال جوان تر زنده می شود که به حساب و کتابش برسند! به احترام اطرافیان شخص مرده نتوانستیم یقه او را همان بالای منبر بگیریم و بگوییم اگر انسان فوت شده ۸ ساله باشد چطور ده سال جوانتر بپا می خیزد؟

آقای شیرازی می گفت، هم اکنون روح درگذشته در اینجا حاضر و ناظر فامیل خویش است، این روح تا ۴۰ روز مرتباً سراغ خواهر و برادر و نزدیکان خود می آید...

از شیرازی و شیرازی ها نباید گله مند بود، بایستی یقه آن صاحب عزای بی توجه را گرفت که به این گونه اشخاص ناآگاه و بی سواد فرصت پرت و پلاگویی میدهد و وقت گرانهای مردم را هم می گیرد. در این گونه مجالس چه کسی بهتر از اطرافیان و دوستان بسیار نزدیک فرد فوت شده است که از خاطرات خود با آن فرد سخن بگویند و یادش را گرامی بدارند، آخوند برای چه می آورید، که هم وقت با ارزش مردم را بگیرید و هم موجب پخش خرافات بیشتر شوید.

بین این کتابها دو جلد کتاب آخوند شناسی نوشته دکتر سید مهدی پیراسته از سوی یکی از همکاران قابل تقدیر است.

● خبر متأثر کننده این که سازمان نیپاک در جنوب کالیفرنیا، برگزار کننده همه ساله جشن مهرگان، امسال جشن مهرگان را در شهریور انجام داد، یعنی یکماه به جلو انداخت، عمل آنها مانند آن بود که عید نو روز را از فروردین به بهمن ماه ببریم!

دلیل این جا بجایی مصادف شدن ماه رمضان با جشن مهرگان در مهر ماه بوده و تولد امام زمان در ماه شهریور به سخن ساده این انجمن متخصصین ایرانی بنام نیپاک برایش سنت ها و روزهای تاریخی بیگانگان ارزش بیشتری از جشن های ملی خودمان دارد، این سازمان در سالهای پیش هم از برافراشتن پرچم با شیر و خورشید در مراسم جشن مهرگان جلوگیری مینمود، خوشبختانه استقبال ایرانیان از این برنامه بمانند سال های گذشته نبود و بسیاری از ایرانیان این مراسم را تحریم کردند.

● بنیاد فرهنگی مهرگان در شهر سان دیاگو کالیفرنیا سالی یکی دو بار سمینارهای فرهنگی برگزار می کند و سخنرانان ارزشمندی را هم برای ارائه دیدگاههای تحقیقی خود دعوت می نماید این مراسم دو تا سه روز ادامه دارد. ظاهراً این سمینار ها برای بالا بردن سطح دانش ایرانیان صورت می گیرد.

امسال ما از مسئولان بنیاد مهرگان بطور کتبی خواستیم که اجازه دهند در روزهای سمینار نشریه بیداری را بطور رایگان بدست مراجعه کنندگان ایرانی به این برنامه ها برسانیم.

تا آخرین روز شروع برنامه ها هیچ گونه خبری و پاسخی به درخواست ما نرسید، بناچار در نخستین روز برنامه تلفنی با مدیر مسئول بنیاد فرهنگی مهرگان تماس گرفتیم. پرسش کردیم چرا پاسخ ما را ندادید و ما به اتکاء قول شفاهی شما ۲۰۰۰ نسخه بیداری اضافی را برای پخش در جلسه های سمینار چاپ و آماده کردیم و هزینه زیادی را متحمل شدیم.

مسئول بزرگوار فرمودند هیئت مدیره تصمیم گرفت به هیچ درخواست کننده ای اجازه چنین کاری را ندهد، چون اگر بشما این اجازه را میدادیم برای مثال اگر بنیاد اسلامی ایمان هم درخواست پخش نشریه ی خود را می کرد باید به آنها هم چنین اجازه ای داده میشد.

این نحوه تصمیم گیری سطحی یک هیئت مدیره بنیاد فرهنگی است که نشریه بیداری را با نشریه یک مسجد اسلامی هم طراز می کند و بخاطر مجله بنیاد ایمان، بیداری را هم از دسترس مردم دور نگه میدارد.

از هیئت مدیره محترم می پرسیم، مگر شما اختیار سازمان خود را ندارید که بتوانید به نشریه ای اجازه پخش بدهید یا ندهید. دوّم اینکه

## نامه‌های وارده

● شما از راه مقاله‌های دکتر عاصمی که خیلی هم برای ما گرامی هستند تبلیغ دین زرتشت می‌کنید، قرارتان براین روش نبود - دکتر الف. م پاسخ - مطمئن باشید ما گسترش دهنده هیچ دینی برای هیچ قوم و ملت و انسانی نیستیم، کوچکترین آسیب دین‌ها جدا کردن انسانها از همدیگر است که آغاز همه گرفتاریهاست. این موضوع را در پیشانی دو نوشته از آقای دکتر عاصمی بوضوح شرح دادیم، در این مقاله دکتر عاصمی رفتار و اخلاق انسانی یک شهروند این جهان را آزاداندیشی، دموکرات منشی و انساندوستی او که نمونه‌اش دستکم در زمانهای دور و گذشته کمتر بوده است برای فراگیری ما نمونه آورده است که اگر منظور تبلیغ دین زرتشت بود خود دکتر عاصمی بایستی نخست زرتشتی میشد و سپس ما زرتشتی می‌بودیم که تبلیغ دین زرتشت کنیم هر ایرانی می‌تواند به یکی از نیاکان خردمند و نیکوکار خود علاقه داشته باشد بدون اینکه دار و دسته‌ای بدنبالش راه بیاندازد و گرفتاری سایر ادیان را تکرار کند ما به عنوان مردمان کشور ایران از بزرگمرد تکدانه‌ای که کلامش زندگی را دلپذیر می‌کند و خوشبختانه از نیاکان ما هم است تعریف و تمجید می‌کنیم و نامش را یادآوری و گرامی‌اش میداریم اما هرگز برایش تقدس و الوهیت و دین‌نمی‌سازیم و نمی‌خواهیم. هیچ کاری در شکل دین اگر بهترین هم باشد در درازمدت جز فساد و خرافات میوه‌ای نخواهد داد.

● دوستان عزیز، نگارنده ۸۵ سال دارد از ۷ یا ۸ سالگی روزهای محرم روز عاشورا در روضه خوانی‌ها سقایی می‌کردم، چند سال این حماقت ادامه داشت، بعدها پس از متوجه شدن به کثافتکاری‌های چند مرد و زن مسلمان علاقمند به خواندن قرآن به زبان فارسی شدم، با خواندن ۴ ترجمه از قرآن که بوسیله افراد گوناگون ترجمه شده بود به این نتیجه رسیدم که ما مسلمانان در چه گندابی غرق هستیم و خودمان هم نمیدانیم، لذا خیلی پیش از آمدن خمینی... از این گنداب دوری جسته بودم.  
من صمیمانه به شما تبریک می‌گویم و آرزوی موفقیت کامل برای شما دارم.  
حسین

● من سید طباطبایی هستم، یعنی هم از سوی پدر و هم از طرف مادر «سید» می‌باشم تا چندی پیش هم به سید بودن خودم افتخار می‌کردم و ته دلم فکر می‌کردم یک برتری نسبت به دیگران دارم. پس از خواندن مقاله «تسید» در بیداری متوجه امر شدم و از خودم شرمند شدم، و در تلاش هستم که نام سید را از جلوی نامم در شناسنامه و پاسپورت پاک کنم. از آگاهی‌های ارزشمند شما بویژه مطالب آقای دکتر مهرآسا سپاسگزارم.  
سید سابق - جواد

● بیداری را می‌خوانم و تحسین دارم بر همت مسئولان آن. ولی در جمعی که صحبت از آن و خرافه زدائی؛ بود متوجه شدم هیچ کس سردبیر و مسئول بیداری را نمی‌شناسد. چند نفر را اسم بردند ولی کسی را مشخص نکردند.

بیداری سرمقاله ندارد و با مقاله‌ای شروع می‌شود. پیشنهاد می‌کنم. در هر شماره سرمقاله کوتاهی داشته باشد و طی آن سردبیر موضوعات و مطالب هر شماره را عنوان کند. یعنی که سیری کند یا پروازی کند بر فراز نکات دقیق عناوین و مطالب و خواننده را برساند به نویسنده. البته نظر هم بدهد که مثلاً با فلان مطلب مخالفتی دارد ولی بلحاظ رعایت آزادی قلم داوری را بخواننده می‌سپارد.

حُسن اینکار تکرار و تلقین جهت‌گیری هاست. و البته با امضائی که پای آن نهاده شود خواننده در خواهد یافت که نظارتی در کارست و بیداری را بیدار مردی هدایت می‌کند. مزید توفیق شما را آرزو دارم.  
دوستدار کاظم ودیعی

مشخص شدن نام مسئول و سردبیر «بیداری» از خواست‌های دائمی خوانندگان ما می‌باشد.

پس از مشورت با شورای نویسندگان تصمیم گرفته شده به‌آگاهی جنابعالی و خوانندگان خواهد رسید. باسپاس از مراجع استاد دکتر کاظم ودیعی

● با درود بر نویسندگان خوب بیداری، پرسشی دارم که چرا اخیراً بیشتر به اسلام می‌پردازید و سایر ادیان را فراموش کرده‌اید؟ اقدس پاسخ - ما سعی می‌کنیم روشنفکران یهودی و مسیحی خودشان به این مهم بپردازند و برای ما مقاله بفرستند، و بارها از آنها خواهش کرده‌ایم که راجع به دین خودشان که از ما بهتر مشکلاتش را میدانند بنویسند تا ما هم چاپ کنیم ولی بدبختانه آن دلیری که در روشنفکران مسلمان هست در دین یهود بویژه بین مسیحی‌ها وجود ندارد. خیلی نادرنند کسانی که مسیحی باشند و بر علیه دین خود انتقاد کنند. مسیحی‌ها برعکس ادعای آزادیخواهی و دموکرات بودنشان از آن دو دین دیگر بسیار متعصب‌تر هستند، این موضوع در جریان انتشار بیداری بما ثابت شد. ولی دلیل اصلی بیشتر از اسلام نوشتن همان است که بارها گفته‌ایم ایران را دین یهود و مسیح به‌اشغال در نیآورده و خرابش نکرده است، بلکه این بدبختی بوسیله دین مبین و حنیف!! اسلام نصیب ایران گردیده است و طبیعی است که بیشتر از اسلام انتقاد داشته باشیم در اینجا باز هم از نویسندگان و خوانندگان مسیحی، کلیمی، بهایی، زرتشتی و هر دین دیگری که واقف به خرافات دین خود هستند درخواست همکاری و نوشتن مقاله می‌کنیم.

## آقایان مروتی و حجازی اذان گفتن در رادیو یعنی چه؟

چرا اجازه می‌دهید در رسانه غیر مذهبی شما تبلیغات مذهبی بشود، اگر توهین به باورهای مذهبی احساسات آنها را جریحه دار می‌کند، اجرای برنامه های مذهبی هم در یک رسانه عمومی که بیش از پنجاه درصد شنونده اش غیر مذهبی و یا دارای مذهبی غیر از آن چه تبلیغ اش می‌کنید هستند احساساتشان جریحه دار می‌گردد.

چرا باید در ماه رمضان هر روز شنوندگان مسیحی و کلیسی و زرتشتی و بهایی و بیدین شما صدای وحشت آور الله و اکبر و اذان مسلمان ها را بشنوند؟

شما با پخش چنین برنامه های نفاق انگیز غیر مذهبیون را وادار به عکس العمل و توهین کردن به آن مذهب می‌کنید، شما با این کارتان، نه اینکه لطفی به مذهب نمی‌کنید که آسیب و آزار هم می‌رسانید. شما اگر امروز نتوانید اولویت های ضروری را تشخیص دهید و نمونه و نموداری از ایران آینده به نمایش بگذارید چه امیدی به جدا کردن مذهب از حکومت می‌توان داشت. این چه سماجی است که دست از سر تبلیغ برای یک نوع مذهب پُر از خرافه و خشونت برنمیدارید و اجازه نمی‌دهید شعله های سرکش این آتشفشان ویرانگر و دیوانه آرام بگیرد و بگوشه مساجد و منازل برگردد.

شما حتی در برابر دریافت پول هم، با وضعی که ایران امروز دارد، حق نیست با تظاهرات مذهبی ایرانیان را از همدیگر جدا کنید، شما وظیفه دار تبلیغ برای هیچ دین و آئین مذهبی نیستید، چنین کاری وضع و حال جامعه سرگردان و سرخورده ما را بیش از پیش مختل می‌کند و جلوی هر اتحادی را می‌گیرد.

از شما مدیران گرامی دو رادیوی ایرانی برای چندمین بار می‌خواهیم و خواهش می‌کنیم کار تبلیغات مذهبی را به مذهبیون و رسانه های صرفاً مذهبی بسپارید و تلاش خود را در راه اتحاد هرچه بیشتر مردم به کار گیرید.

### سرطان مذهب مانعی بزرگ

بیماریهای گوناگون سرطان تمام مردم جهان را آسیب پذیر کرده و زندگی انسان ها را به خطر و تلخی کشانده است. امیدواری زیادی پدید آمد که با پیشرفت دانش «استیم سل» داروی شفابخش بسیاری از سرطانها بدست آید. این بار این اسلام عقب مانده نبود که باز دارنده یک پیشرفت علمی میشد، بلکه این دین پیشرفت کرده و متمدن، مسیحیت به ریاست آقای جرج دبلیو بوش مسیحی بود که جلوی کار را به زور «وتو» گرفت و اجازه نمی‌دهد دانشمندان این کشف بزرگ را پی بگیرند.

هنگام یورش اعراب عقب مانده به ایران متمدن در ۱۴۰۰ سال پیش، مهاجمان تازی ابتدا با گفتن اذان و الله و اکبر دست به وحشت آفرینی میزدند و ایرانیان را بشدت می‌ترسانیدند و سپس به مردم حمله ور میشدند.

هر گروه از حمله کنندگان یک اذان گو داشتند که ضمن به هیجان درآوردن افراد لشکر خود طرف مقابل را هم به وحشت می‌انداختند. بعد ها هم که ایرانیان بزور شمشیر مسلمان شدند و رفته رفته فرهنگ مذهب بدوی عرب در آنها رسوخ کرد، در سر هر گذر و کوچهای یک اذان گو هوش و حواس مردم را پریشان و زندگی را برآنان حرام می‌کرد و هنوز ادامه دارد.

اوج به هیجان درآوردن انسان مسلمان شده را در شب های انقلاب پس از شنیدن الله و اکبرهای پیاپی بالای پشت بام ها همه دیده و یا شنیده ایم.

به راستی اگر صدای خوش خوانندگان اذان نبود و اسلام انسان شاد ایرانی را به فردی مسخ شده، آه و ناله دوست و غمگین تبدیل نکرده بود هیچ ایرانی از این صداهای مرگ خیز که یادآور تجاوزهای مکرر اعراب به نیاکان فلک زده ما می‌باشد لذت نمی‌برد که هیچ با شنیدن صدای اذان تنش هم میلرزید، انسان باید اندیشه ای بیمار داشته باشد که شعار دشمن مهاجم و متجاوز به مادر و خواهر خود را ورد زبان کند و هر روز هم آن را بشنود.

روی سخن ما در این نامه به آقای اسداله مروتی مبارز خستگی ناپذیر سیاسی، پایه گذار رادیو بیست و چهار ساعته صدای ایران و آقای حسین حجازی تلاشگر اقتصادی مدیر رادیو KRIN مستقر درلس آنجلس می‌باشد که رادیوی آنها شنوندگان زیادی در سراسر جهان دارند.

آقایان گرامی بدون شک پیام های روزانه رادیوی شما در باورهای توده مردم، اثر می‌گذارد، و شما را عهده دار یک مسئولیت ملی می‌سازد. بارها مردم در روی خطهای تلفن به شما و برنامه سازان تان گفته و ما هم چندین بار با نامه های خصوصی و یا با صدای بلند در نشریه بیداری از شما خواهش کرده ایم. کار تبلیغ و تظاهر مذهب را به متخصصین و متعصبین و مبلغین مذهبی واگذار کنید.

کار امروز شما نمونه کار فردای رسانه های درون ایران خواهد بود و باید هم باشد. ضمن اینکه مذهب فروشان بنیادهای مذهبی آنقدر ثروت مفت به دست آورده اند که خود دارای تلویزیون و رادیو و نشریه ای باشند.

مگر رادیوهای سیاسی و خبری آمریکایی مراسم کلیساها و یا پیام های آنها را پخش می‌کنند، این تبلیغات همه از تلویزیونها و چانالهای ویژه مذهب پخش می‌شود و علاقمندان هم به آنها نگاه می‌کنند و یا می‌شنوند.

شما آقایان اگر به جدایی مذهب از دولت و حکومت باور دارید پس

**Thinking Point for Iranian Youth**

- If 50 million people believe a foolish thing, it is still a foolish thing. "Anatol France"
- The more the fruits of knowledge become accessible to men, the more widespread is the decline of religious belief. "Zigmond Freud"
- Faith is something you believe that nobody in his right mind would believe. "Archie Bunker"

When the missionaries first came to our land, fifty years later we had Bibles and they had the land. "Kenyatt, President of Kenya"

نام بقیه یاری دهندگان در شماره های بعد خواهد آمد.

**بیداری**

نشریه کانون فرهنگی خرافه زدائی

سخنان پاپ در باره اسلام درست بود ولی نیروی خشونت در همه ادیان و دین خود ایشان هم هست، که فعلاً به زور قانون مهار شده است، کشتار مسلمانها بدست مسیحی ها در بوسنی نمونه نزدیک آن است

از کمک شما ارزنده تر، رساندن این نشریه بدست این و آن است، هیچ کاری بدون همکاری جمعی به ثمر نمی رسد، این فرصت خوب خدمت به بشریت را از دست ندهید

**WWW.BIDARI.ORG**

تلفن و فکس بیداری (858)320-0013  
فکس دکتر مهر آسا (949)831-1346

Presorted std  
US Postage  
Paid  
Irvine, CA  
Permit # 296

بیداری  
P.O. BOX 22777  
San Diego CA 92192  
U.S.A